

زمینه‌های آمیختگی سبک زندگی اسلامی و ایرانی

مجید کافی^۱

چکیده

آموزه‌های هر دین، از جمله اسلام، و فرهنگ هر جامعه بیانگر بایدها و نبایدهایی برای سبک زندگی است. چه عواملی سبب می‌شوند که سبک زندگی دینی در یک جامعه مثل ایران متنوع و متکثر باشد؟ برای پاسخ به این پرسش از روش استنتاج منابع دینی و اسناد ملی استفاده شده است، یعنی فرایندی پرسشگراییانه از گام‌های برقراری ارتباط بین نظریه‌های سبک زندگی و موضوع مقاله؛ نظریه‌های سبک زندگی پرسشگرند و این مقاله پاسخگو است. هدف این مقاله رسیدن از چیزی معلوم به چیزی نامعلوم است که به آن استنتاج منابع و اسناد اطلاق می‌شود. نتیجه اینکه سبک زندگی دینی در شرایط زمینه‌ای خاص و متنوع، متکثر خواهد بود. تفاوت و اختلاف شرایط زمینه‌ای (شخصیتی، طبیعی و ساختاری) سبب تفاوت سبک‌های زندگی می‌شود. آموزه‌های متافیزیکی، اخلاقی و شریعت اسلامی بُعد اسلامی سبک زندگی اسلامی - ایرانی را برآورده می‌کند و شرایط زمینه‌ای (شخصیت، شرایط محیطی و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی) بُعد ایرانی آن را.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی اسلامی - ایرانی، روش استنتاج، موانع سبک زندگی، آموزه‌های اسلامی، شرایط زمینه‌ای.

10.22034/jl.2025.483280.1718

شناسه دیجیتال (DOI):

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

مقدمه

چند سالی است که عبارت سبک زندگی اسلامی - ایرانی در ادبیات و فرهنگ فارسی رایج شده است، اما با مرور ادبیات موجود، تبیین روشنی بر اساس یک نظریه ترکیبی از سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی ایرانی یافت نشد. در این عبارت واژه‌های اسلام و ایران دارای دامنه معنایی، فرهنگی و قومی بسیار گسترده هستند؛ از این رو تبیین گسترده‌گی و آشکارسازی مفهومی و اصطلاحی عبارت سبک زندگی اسلامی - ایرانی ضروری به نظر می‌رسد.

روشن است که آموزه‌های هر دین، از جمله دین اسلام، و فرهنگ هر جامعه بیانگر باید‌ها و نبایدهایی برای سبک زندگی است، اما به نظر می‌رسد سبک زندگی مردمی که در شرایط زمینه‌ای خاصی می‌زیند، متنوع و متکثر است. سبک زندگی دینی نیز به دلیل تبلور در شرایط زمینه‌ای مختلف، متنوع و متعدد خواهد بود؛ از این رو می‌توان از سبک‌های زندگی اسلامی سخن گفت، نه سبک زندگی اسلامی.

می‌توان پرسش این مقاله را این‌گونه صورت بندی کرد: چه عواملی سبب شده‌اند که سبک زندگی دینی در جامعه‌ای مثل ایران متنوع و متکثر باشد؟ همچنین چه موانعی سبک زندگی اسلامی - ایرانی را از یگانگی خارج کرده و به سوی چندگانگی سوق داده‌اند؟ این جستار درصدد تبیین خاستگاه تنوع سبک‌های زندگی است که از زیستن بر اساس آموزه‌های دین اسلام در محیط‌ها و زیست‌بوم‌های مختلف ایران زمین در چند سده اخیر شکل گرفته‌اند. به این منظور ابتدا آموزه‌های اسلامی سبک زندگی توصیف و پس از آن شرایط زمینه‌ای (شخصیتی، محیطی، ساختار اجتماعی و فرهنگی) تحقق سبک زندگی اسلامی - ایرانی تبیین می‌شود.

۱) روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله فرایندی پرسشگرانه از گام‌های متوالی برای برقراری ارتباط بین مدل‌ها، الگوها و نظریه‌های سبک زندگی و موضوع مقاله است؛ نظریه‌های سبک زندگی پرسشگرند و این مقاله پاسخگو است تا بتوان پاسخ‌های صحیح و مناسب مسائل نظریه‌های سبک زندگی را از درون منابع دینی و اسناد متنی ملی استخراج کرد. برای مثال، محقق با برقراری رابطه بین نظریه‌های سبک زندگی با منابع دینی و اسناد ملی، به عنوان منابع و اسناد پاسخگو، رهنمودهای زندگی را برای بسط و تدقیق پژوهش‌های سبک زندگی استخراج می‌کند. هدف این مقاله رسیدن از چیزی معلوم به چیزی نامعلوم است که به آن استنتاج

منابع و اسناد گفته می‌شود. بر اساس این تعریف، می‌توان استنطاق را بین متن مبدأ و متن مقصد نشان داد. عمل استنطاق دو طرف دارد که ارتباط مستقیمی با هم ندارند، بلکه خلاقیت تفسیری و برداشت محقق چنین استنطقی را استخراج می‌کند. استنطاق به چیزی اشاره دارد که استنباط (نتیجه‌گیری) می‌شود و نیز به معنایی که به صراحت بیان نشده ولی می‌توان آن را استنباط کرد.

۲) آموزه‌های اسلامی

از یک سو بیشتر مردم در جوامع مختلف معتقدند که باید سبک زندگی شان را آزادانه انتخاب کنند و از سوی دیگر، سبک زندگی را عده‌ای با استفاده از تبلیغات وسیع، طوری مدیریت و طراحی می‌کنند که هر روز سبکی جدید جلوه‌گر می‌شود و تلقی درست فرد از زندگی را زین می‌برد و سبب غرق شدن وی در سبک زندگی این جهانی می‌شود.

انتخاب آزاد سبک زندگی بدون توجه به آموزه‌های دینی (جهان‌بینی، احکام عبادی و اخلاقی) انسان را در زندگی متزلزل می‌کند و تمایلاتش هر روز او را به یک طرف می‌برند؛ در نتیجه آرامش در زندگی را تجربه نخواهد کرد. افزون بر این، روند فزاینده بُعد صرفاً این جهانی زندگی سبب فراموش کردن ارزش‌های انسانی و اخلاقی در سطح گسترده می‌شود که با باورهای فطری، دینی و بومی (اسلامی - ایرانی) انسان‌ها در تضاد است.

طبیعی است که انتخاب سبک زندگی بر مبنای آموزه‌های اسلامی (جهان‌بینی، احکام عبادی و اخلاقی) زندگی این جهانی را مزرعه آخرت می‌داند و تصویر درستی از سبک زندگی و جامعه مطلوب آموزه‌های اسلامی ترسیم می‌کند. سبک زندگی اسلامی - ایرانی مبتنی بر آموزه‌های مختلف اسلامی دارای سه اصل توحید، معاد و عدالت، دو گونه مبنای، یعنی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی، و یک سری اهداف و آرمان‌ها است.

هر دین و مکتبی آموزه‌ها و تعالیمی دارد که سبب شکل‌گیری بینش‌ها، گرایش‌ها، رفتار و ارتباط دینداران (با خدا، خود و دیگران) می‌شود. مراد از آموزه‌های دینی در طرح سبک زندگی است. می‌توان مجموعه اصول، مبانی و اهدافی است که خداوند در باب زندگی و بهزیستی انسان، در قالب گزاره‌های اعتقادی (جهان‌شناختی)، اخلاقی و فقهی، بر پیامبر اسلام نازل کرده است. آموزه‌های اسلامی در دو منبع قرآن و کتاب‌های روایی در دسترس همگان است. هر نسلی از مسلمانان تفاسیری بر قرآن نوشته‌اند تا نشان دهند که برای زندگی آن نسل در آن شرایط، اوضاع و احوال چه سبکی لازم است. احادیث نیز شامل موضوع‌های بسیار

گسترده هستند، از درهم تنیدگی جبر و اختیار در زندگی انسان تا مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و موضوعات زندگی روزمره در زمینه رفتار با اعضای خانواده، همسایگان و دوستان. احادیث همچنین، به طور مستقیم و غیرمستقیم، مسائل مربوط به محیط زندگی مسلمانان و نیز مسائل مربوط به نظافت، زیبایی و تناسب در آنها را نیز در بر می گیرند (نصر، ۱۳۷۴: ۳۰).

زندگی بدون مطابقت با آموزه‌های اسلامی به زندگی حیوانی و نباتی تنزل می یابد. قرآن این حقیقت را که اسلام می تواند هدایت کننده زندگی انسان باشد، چنین بیان می کند: «ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که خدا و رسولش شما را به چیزی دعوت می کنند که به شما حیات می دهد، آنان را اجابت کنید» (انفال: ۲۴). تعبیر «لَمَّا يُحْيِيكُمْ» یعنی چون شما از پیامبر اطاعت می کنید، به شما زندگی می بخشد و منظور از زندگی، یک سبک زندگی خاص است. بر این اساس، در قرآن مؤمنان، که خواص جامعه هستند، سبک زندگی خاصی دارند. منظور از زندگی خاص نیز زندگی پاکیزه و منظور از زندگی پاکیزه، سبک زندگی مؤمنانه است. قرآن زندگی پاک را نتیجه این نوع زندگی می داند: «هر مرد یا زنی کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای حیات [حقیقی] می بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند پاداش خواهیم داد» (نحل: ۹۷). اولین گام برای رسیدن به زندگی زیبا و پاکیزه با آموزه های یک دین الهی برداشته می شود.

شناخت از اسلام و قرآن نشان می دهد که آموزه های اسلام جزئی از زندگی نیستند، بلکه تمام آن اند. آموزه های اسلام، مانند همه ادیان دیگر، دستورالعمل و سبک کامل زندگی هستند. آموزه های اسلام، این نظام گسترده، مجموعه بزرگی از گزاره های اعتقادی، اخلاقی و فقهی درباره رفتار و کنش های فردی و روابط خانوادگی و اجتماعی، روابط تجاری و ازدواج، قوانین حقوقی، اعمال مذهبی و بسیاری موارد دیگر هستند. این آموزه ها را می توان در سه گروه جای داد: الف) آموزه های فراطبیعی که جهان بینی، اعتقادات، باورها و بینش های یک فرد مسلمان را شکل می دهند؛ ب) آموزه های اخلاقی که هدفشان تقویت و تربیت مَلَکات و صفات درونی (سبک زندگی فردی) و بیرونی (سبک زندگی اجتماعی) انسان است؛ ج) احکام یا شریعت اسلامی که دستورالعمل عبادات، معاملات و روابط فردی و اجتماعی انسان است. تربیت بر اساس این سه نوع آموزه مقدمه رسیدن به سبک زندگی است یا به تعبیر قرآن حیات طیبه است. سبک زندگی اسلامی عبارت است از زندگی بر اساس آموزه های فراطبیعی، قواعد و احکام شرعی، ارزش ها و هنجارهای اخلاق اسلامی.

الف) جهان بینی

در جهان بینی‌های دینی، به طور عام، نگرش به جهان هستی و انسان برخاسته از آموزه‌های متافیزیکی ادیان است و در جهان بینی اسلامی، به طور خاص، گزاره‌های متافیزیکی قرآن و سنت زیربنای فکری - عقیدتی انسان هستند و اصول سبک زندگی فردی و اجتماعی او را مشخص می‌کنند. از آموزه‌های متافیزیکی قرآن و سنت دانسته می‌شود که:

۱. در اسلام نمی‌توان هیچ اندیشه‌ای را در هیچ زمینه‌ای از دیدگاه توحیدی جدا کرد و

سبک زندگی اسلامی، در تمام زمینه‌ها، بر جهان بینی توحیدی بنا شده است؛

۲. در اسلام اصول و ارزش‌های سعادت زندگی این جهانی انسان در آیات و روایات

متافیزیکی بیان شده‌اند؛

۳. برخلاف بیشتر یا همه سبک‌های زندگی که دینداری انسان را از سبک زندگی جدا

می‌کنند، اسلام دینداری انسان را همان سبک زندگی می‌داند، برای دینداری در سطح

فردی و اجتماعی انسان برنامه دارد و اصول و مبانی را مطابق جهان بینی اسلام می‌وضع

می‌کند؛ به عبارت دیگر، سبک زندگی اسلامی - ایرانی تابعی از جهان بینی اسلامی و

دینداری انسان ایرانی است.

بر این اساس، جهان بینی و احکام متافیزیکی دینی از زمینه‌های مهم و مؤثر شکل‌گیری

سبک زندگی فردی و اجتماعی هستند. همه آموزه‌های انبیا از اموری‌اند که زندگی فردی و

اجتماعی انسان بدون آنها کامل نمی‌شود و جامعه با چشم‌پوشی از آنها از رسیدن به کمال

بازمی‌ماند. زندگی در جوامع ظاهراً شکل یکسانی دارد و موحد و مشرک در پی فعالیت‌ها و

تأمین نیازهای مادی خویش هستند، اما آموزه‌های متافیزیکی کاملاً متفاوت (مادی و معنوی)

در میان آنها حکم فرما است. آموزه‌های متافیزیکی روش‌ها را تغییر می‌دهند و اهداف افراد را

در سبک زندگی اجتماعی متباین می‌سازند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۱۸۸).

بخشی از آموزه‌های دین اسلام و تلاش‌های عقلی متفکران مسلمان معطوف به تفسیر

احکام متافیزیکی برای مسلمانان است. متفکران اسلامی همواره بر نقش آموزه‌های متافیزیکی

اسلامی در سبک زندگی اجتماعی تأکید کرده‌اند. فارابی (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۳۵۱)،

مطهری (ر.ک: ۱۳۷۱: ۲۳/۳-۳۵)، شریعتی (ر.ک: ۱۳۷۹)، جوادی آملی (ر.ک: ۱۳۷۷: ۱۸۸)

و مصباح یزدی (ر.ک: ۱۳۶۸: ۳۵۱) علت پیشرفت یک ملت را جهان بینی درست می‌دانند و

تأکید می‌کنند که جامعه به وحی، آموزه‌های متافیزیکی و فضایل اخلاقی نیازمند است. باید

خاطر نشان کرد که حاملان معرفت دینی در جامعه پیوسته در هر زمان آموزه‌های متافیزیکی را بازتعریف می‌کنند.

کارکرد آموزه‌های متافیزیکی عبارت‌اند از ارائه بینش‌های مردم به هستی و مسائل آن، انسان و زندگی این جهانی و آن جهانی‌اش و همچنین بینش‌هایی که بر درک مردم از زندگی تأثیر می‌گذارند. برای مثال، نوع نگاه انسان به دنیا در انتخاب سبک زندگی وی تأثیر دارد. کسی که این دنیا را جای لذت جویی و خوش‌گذرانی بداند به ونه‌ای زندگی می‌کند و کسی که این دنیا را مزرعه آخرت و محل آزمایش تلقی کند، زیست دیگری برای خود ترتیب می‌دهد. پیامبر و پیروان هر دین آموزه‌هایی متمایز از آموزه‌های متافیزیکی مادی و غیردینی را پرورش می‌دهند و سبک زندگی خاصی را به نمایش می‌گذارند.

توجه به نوع جهان‌بینی‌ها (مادی و غیرمادی) و زندگی بر اساس آنها پیامدهایی برای انسان‌ها و جوامع دارد. سبک زندگی متناسب با یک جهان‌بینی خاص شکل می‌گیرد و با آن سازگار می‌شود و به همین دلیل با برخی از دیگر سبک‌های زندگی ناسازگاری می‌کند. برای مثال، در بسیاری از جهان‌بینی‌ها واقعیت فقط واقعیت مادی است. اهمیتی که این جهان‌بینی‌ها برای ماده قائل‌اند در مرکز جهان‌بینی قرار دارد. در این جهان‌بینی استدلال در مقابل شهود است، عینیت در مقابل ذهنیت قرار دارد و علم در مقابل دین؛ بنابراین انسان مجبور نیست جهان را همان‌گونه که هست بپذیرد، بلکه می‌تواند روی آن کار کند و با کسب دانش و بهبود فنون خود آن را تغییر دهد تا مطابق جهان‌بینی‌اش شود.

جهان‌بینی مادی سبک زندگی متناسب با خود را شکل می‌دهد. در سبک زندگی مادی، تفکر مبتنی بر عقلانیت ابزاری (عقل محاسبه‌گر) است و بر جای تفکر استدلالی، عرفانی و شهودی می‌نشیند. سبک زندگی مادی بیشتر در افزایش رفاه مادی و گسترش تجملات خلاصه می‌شود. در سبک زندگی مادی، تمام قواعد زندگی برای دسترسی بهتر به ارزش‌های مادی تنظیم می‌شوند. مادی‌گرایی خود را به صورت‌های مختلف در سبک زندگی نشان می‌دهد. بر اساس تلقی مادی‌گرایانه از زندگی، انسان انتظار دارد هنگام مرگ دارایی بیشتری داشته باشد، حمل و نقلی راحت و سریع که ترجیحاً کنترلش به دست خودش باشد، انواع غذاها در دسترسش باشد، برای هر مراسم لباسی مناسب داشته باشد و خانه‌ای راحت و مجهز به وسایل راحتی.

تمام جهان‌بینی‌های مادی‌گرایانه مدعی بهترین سبک زندگی برای انسان هستند، اما بیشتر سبک‌های زندگی‌ای که ارائه می‌دهند در افزایش رفاه مادی و گسترش تجملات خلاصه

می‌شوند و از توجه به امور غیرمادی تأثیرگذار بر زندگی فارغ‌اند؛ از این رو تلاش‌های علمی و کشفیات فناورانه جوامع مادی‌گرا مقدمه‌ای برای تحقق سبک زندگی مادی تلقی می‌شوند.

اما جهان‌بینی اسلام که بر دو بُعدی بودن زندگی (مادی و معنوی) تأکید دارد و قائل به بهره‌مندی از امور مادی در حد گذران زندگی این جهانی است، بیان می‌کند که مسلمانان باید در جایی از زندگی شان به دنبال ارزش‌های معنوی باشند. آنچه باعث می‌شود سبک زندگی اسلامی با سبک‌های زندگی مادی‌گرایانه تفاوت یابد، بهره‌گیری از رشد مادی برای تکامل فردی و اجتماعی و ارزش‌های معنوی است که با تکیه بر وحی، فطرت پاک و عقلانیت انسان استخراج و تبیین می‌شود. هر قدر جهان‌بینی افراد، گروه‌ها و خانواده‌ها با آموزه‌های اسلامی انطباق بیشتری داشته باشد، سبک زندگی شان به اسلامی بودن نزدیک‌تر خواهد شد. جهان‌بینی زمانی بیانگر ارزش‌های سبک زندگی است که دین در شکل‌گیری آن نقش داشته باشد؛ در این صورت، مسئله جهت دادن به سبک زندگی در ذات خود مسئله‌ای دینی خواهد بود.

به طور خلاصه، وقتی مردم در یک محیط با جهان‌بینی غیرالهی زندگی کنند، دستورالعمل و برنامه‌ای که در شرایط متغیر اجتماعی تأمین‌کننده منافع همه مردم باشد وجود ندارد، اما وقتی مردم در یک محیط با جهان‌بینی الهی زندگی کنند، هر یک برای زندگی خود توجیه‌ها و دلایلی دارند و در چنین محیطی همگرایی و انسجام اجتماعی - فرهنگی مردم برقرار می‌شود: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۴).

ب) احکام اخلاقی

در سبک زندگی اسلامی، رعایت اصول اخلاقی در روابط با دیگران از ارکان زندگی است و معیار فرد مسلمان راضی نگه داشتن خدا و خلق خدا است. بخشی از آموزه‌های قرآن اخلاقی است. اخلاق اسلامی به صفات و رفتارهای درونی شده‌ای گفته می‌شود که مورد تأیید اسلام باشد. این رفتارها سه قسم هستند: الف) اخلاق اجتماعی که رابطه فرد با دیگران را شکل می‌دهد، مثل حسود بودن یا نبودن؛ ب) اخلاق فردی که مربوط به رابطه فرد با خودش است، مثل احترام یا توهین به خود؛ ج) اخلاق الهی که رابطه فرد با خداوند را بررسی می‌کند، مثل خشوع و توکل.

قرآن اصول اخلاقی‌ای که انسان باید مطابق با آنها زندگی کند را مطرح کرده است. بر اساس آموزه‌های اخلاقی قرآن، زندگی کردن مطابق خواست خداوند ضروری است. شاید محکم‌ترین

تعبیر قرآن در آموزه‌های اخلاقی تقوا باشد که می‌توان آن را به ترس آمیخته با احترام در برابر خدا معنا کرد که در زندگی انسان بازمی‌تابد (ر.ک: کاویانی، ۱۳۹۴: ۶). بر این اساس، خداوند پیوسته به انسان امر می‌کند که با تقوا زندگی کند.

ج) شریعت اسلامی

آموزه‌های متافیزیکی و اصول اخلاقی قرآن مبنای قوانین و هنجارهای اسلام، یعنی شریعت، هستند. شریعت عبارت است از تجسم عینی خواست خدا در زندگی انسان. طبق آموزه‌های اسلامی، خداوند قانون‌گذار و خالق شریعت است و فقط قانون‌ها و شریعت او است که در زندگی انسان الزام‌آور و ماندگار است. نقش و نفوذ شریعت در سبک زندگی و رفتار و گفتار مردم، در چگونگی داوری در دعوا، در کیفرها و پاداش‌ها، در نحوه انجام معاملات و به طور کلی در امور زندگی این جهانی‌شان دیده می‌شود.

سبک زندگی پیروان ادیان و مذاهب باید با قوانین تشریحی (احکام)، که عالمان دینی از منابع دین استنباط می‌کنند، متناسب و هماهنگ باشد. بر اساس نظر بسیاری از دانشمندان، آنچه در دین اسلام بی‌نظیر است، این است که با وضع قوانین به تمام جنبه‌های زندگی مسلمانان توجه کرده است. اسلام دینی جامع و قانون‌گرا است، نه در معنای رسمی، بلکه به معنای اینکه الله معبودی است جامع که می‌توان از او انتظار داشت هنجارهایی را برای تمام جنبه‌های زندگی - از آداب تخیلی گرفته تا وام‌های تجاری - مقرر کند (ر.ک: ترنر، ۱۳۸۰: ۲۰۲). در نظر یک مسلمان چیزی جالب‌تر از این نیست که سبک زندگی‌اش شهادی بر سعادت اخروی و دنیوی او است. می‌توان آموزه‌های اسلام را به شکل زیر خلاصه کرد.

۳) شرایط زمینه‌ای

در بخش قبل آموزه‌های اسلامی (جهان‌بینی، احکام عبادی و اخلاقی) درباره زندگی این جهانی بیان شد که شکل‌گیری زندگی بر اساس آنها بیانگر بُعد اسلامی سبک زندگی است. از آنجا که زندگی مسلمانان طبق آموزه‌های اسلام می‌شکل می‌گیرد، باید سبک زندگی اجتماعی در همه جوامع اسلامی یکسان باشد، اما چرا چنین نیست؟

پاسخ این پرسش در تفاوت و اختلاف شرایط زمینه‌ای (شخصیتی، طبیعی و ساختاری) است، چراکه زندگی بر اساس اصول و مبانی اسلامی در شرایط زمینه‌ای متفاوت سبب شکل‌گیری سبک‌های مختلف می‌شود؛ از این رو این بخش درصدد بیان شرایط زمینه‌ای

شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی است. تحقق زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی در شرایط زمینه‌ای (شخصیتی، طبیعی و ساختاری) یک جامعه خاص بیانگر سبک زندگی بومی و ملی آن جامعه است؛ بنابراین تبلور سبک زندگی اسلامی در جامعه ایران معاصر بیانگر بُعد ایرانی سبک زندگی است.

منظور از شرایط زمینه‌ای سبک زندگی اسلامی شرایطی است که بسان یک ظرف به اصول، مبانی، ارزش‌ها و اهداف زندگی شکل می‌دهد. در تعریفی دیگر، شرایط زمینه‌ای عبارت است از مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی عاملان، محیط طبیعی و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی که بر سبک زندگی دلالت می‌کنند. در حقیقت، شرایط زمینه‌ای نوعی بررسی خصوصیات کلی عاملیت - ساختار است که به صورت‌های مختلف وجود دارند و سبک زندگی در آن شکل گرفته است (ر.ک: محمدی، ۱۳۸۷: ۶۴؛ استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۳۳).

زندگی انسان با شخصیت وی، محیط طبیعی، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی گره خورده است. اگرچه انسان فقط تربیت شده و پرورده محیط نیست، اما نمی‌توان تأثیر شرایط زیست محیطی (طبیعی و ساختاری) بر سبک زندگی او را نفی کرد، بلکه ادعا این است که انسان تحت تأثیر عوامل محیطی می‌تواند ساخته خویش باشد. تکامل وجودی انسان از مسیر عوامل محیطی (طبیعی و ساختاری) پیش می‌رود و به میزانی که اراده و خودآگاهی در انسان رشد کند، از صورت یک معلول به شکل یک علت تغییر می‌یابد. بنابراین منظور از انسان در محیط آن است که طبیعت، اجتماع و فرهنگ نقش یک عامل فعال و تولیدکننده سبک زندگی سازنده را دارند.

زمینه عبارت است از مجموعه‌ای از ویژگی‌های عاملیت و محیط (طبیعی و ساختاری). در حقیقت، زمینه نوعی بررسی خصوصیات کلی عاملیت و محیط است که به صورت‌های مختلف وجود دارند و آموزه‌های اسلامی در آنها محقق می‌شوند. به عبارت دیگر، شرایط زمینه‌ای یعنی تحقق آموزه‌های اسلامی به دست عاملان در شرایط محیطی. زمینه شرایطی است که استراتژی سبک زندگی در آن متبلور می‌شود. در شرایط زمینه‌ای است که کنش و واکنش بین عامل و محیط (طبیعی، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی) برای اداره، کنترل و پاسخ به زندگی صورت می‌گیرد. به طور خلاصه شرایط زمینه‌ای ویژگی‌های عاملان و محیط زندگی است (ر.ک: محمدی، ۱۳۸۷: ۶۴؛ استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۳۳).

در الگوی شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی - ایرانی، شرایط زمینه‌ای نقش میانجی را دارد.

شرایط میانجی سازگار تأثیر شرایط علی (آموزه‌های اسلامی) بر پدیده (سبک زندگی) هستند. شرایط میانجی توضیح می‌دهند که چرا بعضی از مردم شکل خاصی از سبک زندگی را انتخاب می‌کنند، اما دیگران چنین سبکی ندارند؛ شرایط میانجی در تسهیل یا محدود کردن تأثیر عوامل بر سبک زندگی نقش دارند (ر.ک: محمدی، ۱۳۸۷، ص ۶۵). شرایط میانجی تأثیر عوامل بر سبک زندگی را در شرایط زمینه‌ای خاصی آسان یا محدود و مقید می‌کنند؛ بنابراین شرایط میانجی شرایطی هستند که سازگار تأثیر شرایط علی بر شکل‌گیری سبک زندگی را تبیین می‌کنند.

الف) شخصیت

تفاوت‌های شخصیتی انسان‌ها نخستین شرط زمینه‌ای در چندگانگی سبک زندگی مؤثر است. حال این پرسش مطرح می‌شود که اگر سبک زندگی هر فردی متأثر از بینش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های او است، چرا انسان‌هایی که بینش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌هایی یکسان دارند، سبک زندگی و شخصیتی یکسان و یک شکل ندارند. در پاسخ باید به دو نکته توجه کرد؛ نخست اینکه میزان نهادینه شدن بینش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌ها در شکل‌گیری سبک زندگی فردی و شخصیت افراد مؤثر است. هر مقدار این امور در افراد نهادینه شده باشند، همان قدر شخصیت و سبک زندگی فردی شان بینش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌هایشان را نشان می‌دهد. دوم اینکه در تنوع شخصیت و سبک زندگی افرادی که بینش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های یکسان دارند، نباید از تأثیر محیط و ساختارها غافل شد.

از آنجا که شخصیت را بیشتر در حوزه روان‌شناسی بررسی می‌کنند، این مقاله بر شرایط محیطی متمرکز خواهد بود.

ب) محیط

پیشتر گفته شد که آموزه‌های دینی و فرآورده‌های عقل بشری دو خاستگاه مهم سبک زندگی هستند؛ شرایط محیطی نیز یکی از خاستگاه‌های سبک زندگی است. در منابع اسلامی، بسیاری از آموزه‌های سبک زندگی به طور کلی بیان شده‌اند، اما چگونگی تحقق آنها، به دلیل تغییر پیوسته شرایط محیطی، به عقل و انتخاب خود مردم واگذار شده است. برای مثال، پوشش بدن یک آموزه اسلامی است، اما نوع رنگ و جنس آن در سبک زندگی اسلامی بر اساس شرایط جغرافیایی، مثل شرایط آب و هوا، انتخاب می‌شود. انسان‌ها برای به زیستی بیشتر در آب و هوای استوایی از رنگ‌های روشن و در آب و هوای سرد از رنگ‌های تیره

استفاده می‌کنند. به همین دلیل در سبک زندگی اسلامی، رنگ یا نوع پوشش یکسان برای همه الزامی نیست (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ۶۵/۵-۷۰)؛ مثل پوشش زنان مسلمان (حجاب) که در شرایط زیست بیطی مختلف سبک‌های متفاوتی پیدا کرده است.

شرایط محیطی سبک زندگی سه نوع است: (۱) محیط طبیعی یا جغرافیایی که انسان ساخته نیست؛ (۲) ساختارهای اجتماعی که انسان ساخته است. خود ساختارهای اجتماعی سه نوع دارد: سازمان‌های دولتی، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مردمی. همچنین ساختارهای اجتماعی می‌توانند خصوصی باشند یا عمومی. به اجتماعی که برای همه مردم مشترک است، ساختار عمومی و به اجتماع خاص برای هر فرد، مثل خانواده هر فرد، ساختار خصوصی گفته می‌شود. ساختار اجتماعی شرایط و اوضاع و احوال بی‌واسطه‌ای است که افراد را احاطه کرده است، مثل خانواده، مدرسه، دانشگاه و محیط کار. اهمیت ساختارهای اجتماعی عمومی و خصوصی به این دلیل است که فرد در این ساختارها رشد می‌کند و اجتماعی و جامعه‌پذیر می‌شود. (۳) ساختارهای فرهنگی که این نیز بر اساس آموزه‌های دینی، عقل بشری و شرایط جغرافیایی به دست انسان‌ها ساخته و پرداخته شده است. به طور خلاصه، شخصیت، محیط و ساختارها، خواه یا ناخواه، سایه خود را بر انتخاب‌ها و گزینش‌های انسان‌ها در سبک زندگی شان می‌افکنند.

یک) محیط طبیعی (جغرافیایی)

محیط طبیعی عرصه‌ای مادی و فیزیکی است. منظور از محیط طبیعی، جغرافیای زیستگاه انسان است که انسان را در خود گرفته و همچون ظرفی یکی از زمینه‌های زندگی است. انسان برای ادامه زندگی و بقا باید با محیط طبیعی خود ارتباط برقرار کند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۷۹/۱). محیط طبیعی به بخشی از جهان اطلاق می‌شود که قبل از وجود انسان و بدون دخالت او وجود داشته و وجود خواهد داشت.^۱

در سبک زندگی فردی، روان‌شناسان بر محیط طبیعی تأکید دارند و آن را موضوعی اساسی می‌دانند که فرد با آن رابطه مبادله‌ای دارد، یعنی از آن تأثیر می‌پذیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد و این تأثیر و تأثرها بینش‌ها، گرایش‌ها، رفتار و اخلاق وی را شکل می‌دهند. در این دیدگاه، محیط طبیعی نقش اساسی در تکوین و پایه‌ریزی شخصیت فرد دارد (ر.ک: شرفاوی، ۱۹۸۷: ۱۵۶). از مفاهیم اساسی نظریه سبک زندگی (شخصیت) آدلر نیز محیط است. آدلر

۱. «هُوَ أَنْشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱).

باور دارد که تحت شرایط خاص محیطی سبک های زندگی متفاوتی به وجود می آید. کاربرد نظریه روان شناختی آدلر، ارائه تحلیلی از رابطه شرایط محیطی با سبک زندگی در پاسخ به این پرسش است که چرا شخصیت افراد به موازات تغییر محیط دستخوش تحول می شود. به نظر آدلر، سبک زندگی انسان ها در محیط و شرایط نامساعد خود را می نمایاند. تا زمانی که فرد در محیط و شرایط مطلوب به سر می برد، نمی توان سبک زندگی او را درک کرد، بلکه سبک زندگی او در شرایط محیطی جدید و دشوار به درستی نمایان می شود. بنابراین سبک زندگی واحد یکپارچه ای است که از ناملایمات زندگی فرد و تلاش هایش برای رسیدن به اهداف حاصل می شود (ر.ک: آدلر، ۲۰۲۳؛ بخش ۴)؛ از این رو بی توجهی به شرایط محیطی در ساخت مدل سبک زندگی وجهی ندارد.

زندگی انسان از ارتباط با طبیعت رنگ می پذیرد و با آن هماهنگ و جزئی از آن می شود. بدون شک وابستگی زندگی انسان به محیط طبیعی و عناصر آن به شکل گیری شخصیت و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و سرانجام هماهنگی با محیط طبیعی می انجامد.

نقش طبیعت در پیدایش زندگی اجتماعی بسیار وسیع تر از این است. بسیاری از خواسته ها، نیازها، ارزش ها و انگیزه های انسان، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، از طبیعت سرچشمه می یزند، با آن شکل داده می شوند و راه تأمین آنها نیز با طبیعت در ارتباط است. تفکر درباره مسئله بارداری، میل جنسی و مبنای آن، نوع کار اسپرم، شکل گیری جنین، تولد نوزاد و فریاد زدن مادر، علاقه شدید مادر و علاقه پدر به فرزند، کوشش های طاقت فرسای آنان برای رفع نیاز معیشتی و راحتی فرزندان تأثیر و ارتباط طبیعت را با زندگی اجتماعی نشان می دهد (ر.ک: رفیع پور، ۱۳۷۷: ۳۱). ارتباط انسان با محیط طبیعی لازمه زندگی است؛ زیرا انسان باید شکم خود را سیر کند، پوشش داشته باشد و خود را گرم نگه دارد. محیط خشک و کویری سبب می شود مردم در زندگی خود از ولخرجی و اسراف بپرهیزند و به هزینه های ضروری اکتفا کنند. در شرایط محیط طبیعی فرد حالات، احساسات و افکار معینی از خود بروز می دهد. این امر در مورد تأثیرپذیری از شرایط زمانی - مکانی و محیط طبیعی و جغرافیایی است. اینکه مثلاً انسان در کدام منطقه از کره زمین - گرمسیر، سردسیر یا معتدل - تولد و رشد یابد و در دشت و صحرا زندگی کند یا در روستا یا شهر در چگونگی رنگ و شکل زندگی وی تأثیری بسزا دارد.

البته انسان برای تداوم زندگی خود بر محیط طبیعی اثر می‌گذارد، مثلاً از مواد سوختی استفاده می‌کند، خانه می‌سازد و زمین را شخم می‌زند تا خود را حفظ کند و به زندگی خود تداوم بخشد. افزون بر این، فرازهای مختلف زمانی و موقعیت‌های مختلف مکانی می‌توانند منشأ آثار متفاوتی بر زندگی انسان باشند. اوقات مختلف شب و روز تأثیرهای متفاوتی بر انسان و زندگی او دارند؛ همچنین مکان‌ها، مثل دشت یا کوه، آثاری متفاوت بر زندگی انسان می‌گذارند.

احتمالاً عوامل محیط جغرافیایی یکی از عوامل اختلاف و تفاوت در سبک زندگی مردم در مناطق مختلف است، ولی این به معنای آن نیست که این عامل تنها عامل اساسی در شکل‌دهی به سبک زندگی افراد در تمام شرایط و احوال است. هرچند عامل محیط جغرافیایی تأثیر واضحی در تفاوت عادات و سبک زندگی مردم دارد، عوامل متداخل دیگری نیز وجود دارند که در کنار هم بر تشکیل سبک زندگی تأثیر می‌گذارند.

محیط طبیعی همچون شبکه‌ای گرداگرد زندگی انسان تشکیل می‌شود و مانع می‌شود که انسان جهات منفی محیطش را ببیند. احتمالاً همین پدیده است که در قرآن با جملاتی چون «اکثرهم لایعقلون» یا «اکثر الناس لایفقهون» مطرح می‌شود. به همین دلیل نیز مردم، که تلاششان فقط معطوف به پذیرش بی‌چون و چرای شرایط طبیعی و جغرافیایی است، هرگز جهات منفی سبک زندگی خود را نمی‌بینند و توانایی ابداع و ابتکار و خلاقیت را از دست می‌دهند.

محیط طبیعی در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی چه نقشی دارد؟ سبک زندگی اسلامی بدون در نظر گرفتن ارتباط انسان با طبیعت کامل نیست (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۴۶۴/۱۱). اسلام اصول، مبانی و اهداف کلی زندگی را بیان کرده، ولی تحقق تعالیم اسلامی در شرایط محیطی متفاوت است. طبیعت سرمایه‌ای است که خداوند در اختیار انسان قرار داده است (لقمان: ۲۱؛ ق: ۷ و ۸) و در سبک زندگی اسلامی، انسان باید بر نیروهای طبیعی سیطره و غلبه یابد و آنها را به تسخیر خود درآورد و به سود خود از آنها بهره‌برداری کند. این نگرش به طبیعت، که تا حد زیادی به نظر قرآن درباره ارتباط انسان با طبیعت نزدیک است، ریشه در شناخت طبیعت، ارزش دادن به علوم طبیعی و تکنولوژی برای کنترل طبیعت دارد:

و خورشید و ماه را که با برنامه‌ای منظم در کارند، به تسخیر شما درآورد و شب و روز را (نیز) مسخر شما ساخت و از هر چیزی که از او خواستید به شما داد و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد؛ انسان ستمگر و ناسپاس است (ابراهیم: ۳۳ و ۳۴)؛

مخلوقات را که در زمین به رنگ های گوناگون آفریده نیز مسخر (فرمان شما) ساخت. در این نشانه روشنی است برای گروهی که متذکر می شوند. او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن گوشت تازه بخورید و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید و کشتی ها را می بینی که سینه دریا را می شکافند تا شما (تجارت کنید و از فضل خدا بهره گیرید، شاید شکر نعمت های او را به جا آورید. در زمین کوه های ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را بگیرد و نهرها و راه هایی ایجاد کرد تا هدایت شوید. و (نیز) علاماتی قرار داد و (شب هنگام) به وسیله ستارگان هدایت می شوند (نحل: ۱۳-۱۶).

افزون بر آیات بالا می توان برای تأثیر طبیعت بر زندگی انسان به آیات زیر نیز اشاره کرد:

آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است مسخر شما کرد و (نیز) کشتی هایی را که به فرمان او بر صفحه اقیانوس ها حرکت می کنند و آسمان [کُرَات و سنگ های آسمانی] را نگه می دارد تا جز به فرمان او بر زمین فرو نیفتند؟ خداوند با مردم رحیم و مهربان است (حج: ۶۶)؛

و هر گاه از آنان بپرسی: «چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را مسخر کرده است؟» می گویند: «الله»؛ پس با این حال چگونه آنان را (از عبادت خدا) منحرف می سازند؟ (عنکبوت: ۶۱).

یا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان ها و زمین است مسخر شما کرده نعمت های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟ ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا مجادله می کنند (لقمان: ۲۰)؛

آیا ندیدی که خداوند شب را در روز و روز را در شب داخل می کند و خورشید و ماه را مسخر ساخته و هر کدام به حرکت خود ادامه می دهند؟ خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است (لقمان: ۲۹).

در حدیثی از پیامبر آمده است: «هرکس ساکن بادیه شد، سخت خو خواهد بود». در روایتی دیگر نیز آمده است: «هر که بادیه نشین باشد، سخت خو می شود» (ابن حنبل، بی تا: ۱۲۳/۵). این دلیلی است بر آنکه بادیه نشینی سبک و عادت های خاصی را در زندگی اجتماعی انسان به وجود می آورد.

دو) ساختار یا محیط اجتماعی

امروزه از دو نوع ساختار اجتماعی سخن به میان می‌آید: واقعی و مجازی. ساختارهای واقعی عرصه‌ای مادی و فیزیکی شامل ساختارها، سازمان‌ها و مؤسسات هستند. ساختارهای واقعی اجتماعی ناظر به واقعیت‌های ساختاری جامعه هستند و می‌توانند نقطه آغازین شکل‌گیری سبک زندگی اجتماعی باشند، اما ساختارهای مجازی صحنه‌ای غیرفیزیکی شامل سامانه‌ها، سایت‌ها و فضاهای اجتماعی مجازی در شبکه جهانی ارتباطات و اطلاعات هستند. تأثیر ساختارهای اجتماعی مجازی بر زندگی انسان معاصر، اگر بیشتر از ساختارهای اجتماعی واقعی نباشد، کمتر نیست.

نوع ساختار اجتماعی سبک زندگی، مثل قریه، شهر و جامعه یکی از شرایط زمینه‌ای است. ساختار اجتماعی، همچون محیط طبیعی، زمینه شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی است و بر سبک زندگی مردم تأثیر می‌گذارد؛ روابط زنان و مردان در جامعه یکی از مصادیق تأثیر ساختارها بر سبک زندگی است. نظر به محدودیت‌هایی که آموزه‌های اسلامی برای رابطه زن و مرد قائل است، ساختار اجتماعی می‌تواند تسهیل‌کننده یا محدودکننده روابط مطلوب یا نامطلوب آنان باشد. همچنین می‌توان به این مثال اشاره کرد که در جامعه‌ای که کفر بیشتر از مؤمنان هستند، احتمال تأثیرپذیری مؤمنان از آنان زیاد است. ممکن است محیط کفر سبک زندگی مسلمان را در خود هضم کند. مثال سوم برای تأثیر شرایط اجتماعی بر سبک زندگی فردی و جمعی، سختی‌های زندگی همچون سفر و جنگ است که انواعی از سبک زندگی را شکل می‌دهد.

ساختار اجتماعی به زمینه یا بافت اجتماعی اشاره دارد که افراد در آن زندگی می‌کنند یا چیزی در آن اتفاق می‌افتد یا توسعه می‌یابد. ساختار اجتماعی همچنین سازمان‌ها و مؤسساتی که مردم با آنها تعامل دارند را در بر می‌گیرد (بارنت و کاسپر، ۲۰۰۱: ۴۶۵). ساختار و محیط اجتماعی مفهومی گسترده‌تر از طبقه اجتماعی یا گروه اجتماعی است. تأثیر ساختارهای اجتماعی مانند آموزش و پرورش، رسانه‌ها و نقش آفرینان دیگری که سبک‌های زندگی را ارائه و تبلیغ می‌کنند، به ویژه خانواده، بیشتر از تأثیر ویژگی‌های ارثی و انتسابی است. بنابراین اکتسابی بودن سبک زندگی به معنای تأثیر نداشتن ویژگی‌های ارثی و انتسابی در تعیین سبک زندگی نیست.

ساختار اجتماعی شد مل محیط‌های خانواده، آموزشگاه‌ها و مدارس، محیط کار و شغل، باشگاه‌ها، انجمن‌ها، مجالس و محافل علمی و مذهبی می‌شود. از میان این اجزای ساختاری، اهمیت محیط خانواده بسیار بیشتر و چشمگیرتر است؛ بنابراین پدیده‌های اجتماعی، همچون سبک زندگی، واکنش به ساختارهای اجتماعی هستند. به همین دلیل ادعا شده است که می‌توان با توجه به شرایط زمینه‌ای، طبیعی و مناطق مختلف جغرافیایی، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، تنوع و تعدد سبک زندگی را تا حدودی تفسیر و تبیین کرد. نکته شایان بیان اینکه هر عضو تازه جامعه در ساختاری اجتماعی متولد می‌شود که ایجادش نکرده و بر او تحمیل شده است، اما در طول زندگی می‌تواند ساختار اجتماعی را تعدیل کند؛ چراکه ساختارهای اجتماعی در تعامل عاملیت و ساختار تغییرپذیرند و نمی‌توانند همیشه زندگی اجتماعی را تبیین کنند.

نکته دیگر اینکه یکی از محیط‌های اجتماعی که در تعالیم اسلامی به چگونگی آن سفارش‌هایی شده، محیط، شکل، ریخت و نوع خانه است. خانه باید محل سکونت و آرامش باشد (نحل: ۸۰). تزیین و نظافت (ر.ک: پاینده، ۱۳۸۵: ۲۹۶) و بزرگ بودن خانه (ر.ک: ابن شعبه، ۱۳۹۲: ۳۱۷) از مواردی اند که در روایات به آنها اشاره شده است. در انتخاب محل سکونت نیز امنیت یکی از مسائل مهم است.

سه) محیط فناورانه

ساختارهای اجتماعی مجازی یا فناوری اطلاعات و ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی مجازی از مؤلفه‌های ساختاری جدید تأثیرگذار بر انتخاب‌ها و فرصت‌های عاملان در سبک زندگی هستند. امروزه بیشتر جوامع به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (فاوا) روی آورده‌اند تا دروازه‌ایی را برای دسترسی شهروندان به منابع، اطلاعات و مشارکت در سبک زندگی جدید اجتماعی بگشایند (ر.ک: کاواناوف و پترسون، ۲۰۰۱: ۴۹۶-۵۰۹). اهمیت فاوا در سبک زندگی جدید را نمی‌توان نادیده گرفت؛ چراکه تقریباً همه عامه ن اجتماعی روزانه از دستگاه‌های مدرن فناوری استفاده می‌کنند. برای کار، اوقات فراغت، خرید، سرگرمی و روابط و به طور کلی اوضاع و احوال زندگی از فاوا استفاده می‌شود. تحقیقات گسترده و شواهد علی فراوانی حاکی از آن‌اند که استفاده از فاوا زندگی عاملان اجتماعی - یعنی کار، آموزش، اوقات فراغت، درک از خود، خانواده‌ها، سبک زندگی و جوامع - را تغییر داده است (ر.ک: هورست، ۲۰۱۰: ۲۹-۷۹).

1. Kavanaugh, A. L.; Patterson, S. J.

2. Horst, Heather. A.

در دهه گذشته تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سبک زندگی قابل مشاهده و انکارنشدنی است. نفوذ فاوا به زندگی انسان با ابزاری همچون رایانه‌ها، اینترنت و فناوری‌های تلفن همراه اتفاق افتاد؛ از این رو عاملان اجتماعی ممکن است از فاوا به شکل یک فرصت برای برآوردن نیازهای خود استفاده کنند. در بیشتر موارد، تأثیرات منفی فاوا محدود به کاربران نمی‌شود، بلکه احتمالاً بر دیگران نیز تأثیر می‌گذارد. برای مثال، شبکه‌های اجتماعی مجازی بیش از پیش بر روابط زن و شوهر و سازگاری زناشویی، ارتباط بین والدین و فرزندان و ارتباط فرزندان با یکدیگر تأثیر گذاشته و سبب شده‌اند که روابط آنان با در نظر گرفتن مؤلفه‌های سبک زندگی (نشستن ارتباط مجازی به جای ارتباط واقعی با دیگران، ترویج فرهنگ مجردزیستی، میزان پایبندی به تعهدات خانوادگی، آسان شدن ارتباطات کلامی بین دختران و پسران، فرار از خانه، خواندن هرزنامه‌ها، دوستی با جنس مخالف، فریب خوردن، آگاهی از نیازهای خود و انتقال آن به همسر، میزان آگاهی از تجارب دیگران و شیوه‌های برقراری ارتباط) دستخوش تنوع و تعدد بسیار شود.

توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات جهانی، شبکه‌های اجتماعی مجازی و تلفن‌های همراه، به ویژه طی دو دهه اخیر، در سبک زندگی اسلامی - ایرانی نیز دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی متعددی را در سطوح مختلف به وجود آورده‌اند. نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی و آموزه‌های آن در میان عاملان، تحولاتی همچون تأثیرگذاری روزافزون بر علایق، تمایلات و ارزش‌های آنان (بختیاری و نصیری، ۱۳۹۵: ۴۷۳) به همراه داشته که ضمن جداسازی افراد از یکدیگر، در حال دگرگون کردن نوع روابط ساختاری و انسانی میان عاملان اجتماعی است. نوع و چگونگی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در زندگی روزمره بر ویژگی‌های شخصیتی افراد، عواطف و باورهای آنان و همچنین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی تأثیر می‌گذارد.

چهار) محیط فرهنگی

محیط فرهنگی حاصل ذخایر انباشته تجربه زیسته، آداب و رسوم و هنجارها در جامعه است. محیط فرهنگی یا محیط اجتماعی غیرمادی محیطی است که به روابط خویشاوندی (خانواده)، زبان، ارزش‌های فرهنگی و مذهبی، روابط قدرت و مانند اینها مربوط می‌شود. محیط فرهنگی همچنین رسانه‌ها، اینترنت و فضاهای مجازی، کتاب و مطبوعات، تئاتر و سینما، رادیو و تلویزیون، سی‌دی و کلیپ‌ها را شامل می‌شود. در جوامع کنونی، تنوع

و گستردگی تأثیر رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی بر زندگی انسان به حدی زیاد است که جامعه‌شناسان آنها را ابزار کنترل زندگی و ذهن مردم تلقی می‌کنند.

محیط فرهنگی که فرد در آن چشم باز می‌کند با هنجارها، عرف‌ها و قوانین، عادات اجتماعی، آداب اجتماعی، مدها و رسم‌های خاص تأثیری شگرف بر سبک زندگی دارد. برای آنکه بتوان مدل سبک زندگی اسلامی - ایرانی را شناخت، باید تأثیر «محیط فرهنگی» ایران را بر سبک زندگی اسلامی بررسی کرد.

قوانین و آداب جوامع و امور مرسوم و معمول در هنر و پوشش و ادبیات، همچون محیط اجتماعی و زیستی، بر سبک زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارند، یعنی سبک زندگی را امکان‌پذیر و در عین حال محدود و مهار می‌کنند. همه مظاهر فرهنگ چارچوبی به وجود می‌آورند که مردان و زنان در محدوده آن جویای مؤلفه‌های مختلف سبک زندگی، یعنی قدرت، ثروت، منزلت، اهداف و آرمان‌های عقلانی و معنوی بوده‌اند و هنوز هم هستند (ر.ک: استنفورد، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

محیط فرهنگی نیز یکی از سازکارهای شکل‌گیری سبک زندگی اجتماعی مردم یک جامعه است. محیط فرهنگی چگونه روند و سیر ایجاد و تداوم سبک زندگی مردم را تعیین می‌بخشد؟ زندگی اجتماعی بین مردم به این دلیل ممکن است که انسان‌ها یک سری مشترکات نگرشی و بینشی، گرایش، رفتاری و زیست محیطی دارند. از آنجا که عاملان اجتماعی دارای گرایش‌ها، بینش‌ها، رفتار و زیست محیط مشابه هستند، می‌توانند با هم زندگی کنند. آنانی که با یکدیگر تشابه بینش، گرایش، رفتار و محیط زیست دارند، می‌توانند سبک زندگی یکسانی برای خود بسازند و اگر این تشابه را نداشته باشند قادر به زندگی با یکدیگر نیستند. برای تحقق سبک زندگی باید عاملان اجتماعی دانسته‌ها و تجربیات انباشته پدران و فرهنگ و میراث گذشتگان را فراگیرند. به عبارت دیگر، هر فرد باید فرهنگ جامعه خود را در طی زندگی اجتماعی جذب و کسب کند و با به‌کارگیری آن در شکل‌گیری سبک زندگی اجتماعی مشارکت جوید.

باید توجه داشت که محدودیت‌های محیط فرهنگی نیز بر سبک زندگی اثر می‌گذارند. گستردگی محیط فرهنگی جامعه سبب گستردگی سبک زندگی و محدودیت آن باعث محدودیت در گزینه‌های آن می‌شود؛ چراکه در این مورد فرد انتخابی محدود دارد. البته فرد می‌تواند با قدرت خلاقیت خود بر محدودیت‌های محیط فرهنگی ای که در آن جامعه‌پذیر شده است غلبه کند. سبک زندگی اجتماعی تحت تأثیر دو نوع محدودیت درونی و بیرونی است. شخصیت انسان از نوع محدودیت درونی و محیط فرهنگی از عوامل محدودکننده بیرونی سبک زندگی محسوب می‌شوند.

نقد و بررسی

در تکمیل بیان شرایط زمینه‌ای چند نکته شایان توجه هستند:

۱. ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، بر خلاف محیط طبیعی، در فرایند ارتباط بین عاملان شکل می‌گیرند و به عبارتی، برساخته عامل انسانی و حاصل ذخایر انباشته زندگی و تجربه زیسته آنان هستند. ساختارهای اجتماعی و فرهنگی همان حوزه فراعلمی‌اند که وفاق و اجماع در زندگی مبتنی بر هنجارهای برگرفته از آن است (ر.ک: هالوب، ۱۳۷۵: ۶۳).
۲. می‌توان استدلال‌هایی بر تأثیر دوسویه عاملیت و محیط (طبیعی، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی) بر تحقق سبک زندگی اقامه کرد (ر.ک: نوذری، ۱۳۸۱: ۳۸۳-۳۸۴)؛ البته برون‌داد رابطه عاملان با ساختارهای محیطی متفاوت است. ارتباط عاملان با سایر عاملان ساختارهای اجتماعی و فرهنگی (بعد نرم سبک زندگی) را به وجود می‌آورد و ارتباط عاملان با محیط طبیعی سبب شکل‌گیری تمدن (بعد سخت سبک زندگی) می‌شود.
۳. تأثیرپذیری عاملان اجتماعی از محیط و ساختارها به معنای اضطراب در برابر آنها نیست، بلکه عامل می‌تواند در مقابل فشارهای محیطی و ساختاری ایستادگی کند و رنگ نپذیرد و حتی بر شرایط محیطی و ساختاری تأثیر بگذارد. این ویژگی بارز اختیار انسان است. انسان با این ویژگی هر گاه با فراوانی یا نبود منابع طبیعی مواجه شود، در مقابل فشارهای محیطی و ساختاری ایستادگی می‌کند؛ در محیط اجتماعی نیز همین مقاومت می‌تواند بروز کند. در این صورت، عامل با حضور در شرایط اجتماعی معین سرایت‌پذیری نشان نمی‌دهد^۱ و عاملیت خود را به خوبی به انجام می‌رساند. بر این اساس بسا فردی در میان غافلان باشد، اما در شمار ذاکران درآید.^۲ مقاومت در مقابل شرایط محیطی و ساختاری به تأثیرگذاری بر محیط و ساختار نیز منجر می‌شود و عامل دست به تغییرات اجتماعی می‌زند. در این دیدگاه، عامل موجودی خلاق و مبتکر است که می‌تواند مظهر تغییر و دگرگونی در محیط و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی باشد (ر.ک: باقری، ۱۳۶۸: ۲۹-۳۰). به هر حال، عاملان اجتماعی همان‌گونه که تحت تأثیر عملکرد محیط و ساختارهای اجتماعی قرار می‌گیرند، در آنها دخل و تصرف نیز دارند.
۴. بین سبک زندگی فردی (نگرش‌ها و گرایش‌های انسان) و طبیعت نیز رابطه وجود دارد.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ لَوْ لَاحَظُواكُمْ وَلَا يَضُرُّكُمْ لَوْ لَاحَظُواكُمْ إِلَّا إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مائده: ۱۰۵).
 ۲. «ان كان في ا فلين يكتب من الذاكرين» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

در سطح فردی تغییر اندیشه، اراده، فطرت، عقل و نفس انسان بر محیط طبیعی تأثیر دارند؛ خواه این تغییر به سوی خوبی در زندگی اجتماعی باشد و خواه به سوی انحراف و فساد.^۱ در آیه ۹۶ سوره اعراف، میان ایمان و تقوا - که امور شناختی و ارادی انسان اند - و تغییر در محیط طبیعی آنان ارتباط برقرار شده است. این برداشت و فهم دور از صواب نیست که ایمان و تقوا همان گونه که بر تغییر محیط طبیعی انسان اثر دارند، بر سبک زندگی و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، که جزئی از محیط انسان اند، نیز اثر می‌گذارند و همان گونه که ایمان و تقوا بر محیط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی اثر مثبت دارند، انحرافات نیز می‌توانند بر این امور اثر منفی بگذارند.^۲

۵. تأثیر محیط بر زندگی انسان به آن معنا نیست که انسان باید از مقتضیات محیط پیروی کند، بلکه مطلوب این است که انسان محیط اجتماعی و فرهنگی خود را به سوی بهتر شدن تغییر دهد؛ به ویژه اگر سنت‌های آن جامعه بیهوده و ناسالم باشند. چه بسا رفتاری که بازتاب فرهنگ و سنت‌های جامعه و گروه باشد، با اصل عام انسانی مورد نظر علمای اخلاق در تعارض باشد و شاید بیانگر نفاقی اجتماعی باشد که جامعه‌های معاصر را به آفت‌های اجتماعی بسیار دچار کرده است. پیروی انسان از سنت‌های محیط از او موجودی منفی می‌سازد که از جامعه تأثیر می‌پذیرد ولی بر آن تأثیر نمی‌گذارد. چنین انسانی عادت‌ها و سنت‌های جامعه را می‌گیرد و در برابر آنها چاره‌ای جز پیروی و تسلیم ندارد. نتیجه این دیدگاه فراموشی و از بین رفتن مسئولیت انسان در برابر جامعه و نابودی جایگاه انسان است (ر.ک: محمد السید، بی تا: ۵۵۵-۵۵۶).

۵) موانع تحقق سبک زندگی اسلامی - ایرانی

سبک زندگی اسلامی - ایرانی همه عرصه‌های زندگی یک ایرانی را در بر می‌گیرد و با توجه به گستردگی و عمق سبک زندگی، عوامل متعددی می‌تواند مانع از عملیاتی شدن آن شود. همان طور که سبک زندگی اسلامی - ایرانی آمیخته‌ای از زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی و شرایط زمینه‌ای (شخصیت و محیطی) است، موانع تحقق آن نیز، به خصوص در نسل جوان، می‌تواند به دو دسته موانع شخصیتی و موانع محیطی تقسیم شود.

۱. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶).
 ۲. «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْبَةً كَانَتْ آمَنَةً مُّطَمَّئِنَةً بِأَنْبِيَئِهَا رِزْقُهَا زَعْدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل: ۱۱۲).

الف) موانع شخصیتی

۱. موانع معرفتی: اولین مانع شخصیتی تحقق سبک زندگی اسلامی - ایرانی مردم، به خصوص جوانان، مانع شناختی است. جوانان از نظر شخصیتی دارای تفکر انتزاعی هستند و از نظر ذهنی به بیشترین کارایی هوش می‌رسند. در این دوره، گرایش جوانان به «فلسفه زندگی»، آنان را به سوی مسائل اخلاقی، سیاسی و مذهبی سوق می‌دهد. جوانان می‌کوشند سبک زندگی مذهبی خود را شکل دهند، اما به دلایل گوناگون ممکن است در فرایند شکل‌گیری سبک زندگی با بحران مذهبی مواجه شوند و نتوانند این سبک زندگی دینی را به خوبی تشخیص دهند؛ در نتیجه دچار سردرگمی و بی‌رغبتی و گریز از دین شوند. یکی از علل این بحران، ناهمخوانی سطح شناختی جوانان با سطح معارف دینی است که به آنان ارائه می‌شود.

جوان به دلیل توانمندی‌های ذهنی خود، دین صرفاً تقلیدی را بر نمی‌تابد. او باورهای دینی را که از دوران کودکی به صورت تقلیدی به او القا شده‌اند کنار می‌زند و می‌خواهد از دین معرفتی متناسب با سطح تفکر خود را بپذیرد، اما بسیاری از اوقات آنچه به نام معرفت دینی به او عرضه می‌شود، برایش قانع‌کننده نیست.

از سوی دیگر، جوان می‌خواهد همه آموزه‌های دینی را با عقل خود بسنجد. او می‌پندارد که اگر آموزه‌های دینی در قالب‌های فکری او بگنجد صحیح‌اند، وگرنه درست نیستند و باید کنار گذاشته شوند. این عوامل موجب می‌شوند که سبک زندگی دینی جوان به خوبی شکل نگیرد و او گرفتار بحران شناختی در آموزه‌های دینی شود و راه نجات از این بحران را گریز از دین بداند.

قرآن نیز یکی از علل عمده گرایش به کفر و بی‌ایمانی را جهل و ضعف معرفتی انسان‌ها می‌داند. حضرت نوح علیه السلام به قوم خود می‌فرماید: «شما را مردمانی ناآگاه می‌بینم». ^۱ به هر حال، یکی از علل روان‌شناختی دین‌گریزی در سبک زندگی انسان‌ها، به‌ویژه جوانان، ضعف معرفت دینی و نیندیشیدن درباره دین است.

۲. برداشت نادرست: علت دیگر بی‌رغبتی و گریز از سبک زندگی اسلامی - ایرانی، برداشت نادرست از آموزه‌های دینی است. بسیاری از اوقات، دین مساوی با معنویت لحاظ شده و در حد یک نیاز معنوی صرف دیده می‌شود، سپس نتیجه گرفته می‌شود که نیاز به معنویت فقط ویژه مواقع سختی و بحران‌های شدید است و دین در زندگی روزمره انسان

۱. «وَلِكَيْتُمْ أَزْوَاجًا مِّمَّا تَتَّخِطُونَ» (هود: ۲۹).

نقش اساسی ندارد. این دیدگاه ساده‌انگارانه و کاهش‌گرایانه به آموزه‌های دینی به تدریج باعث حذف دین از زندگی انسان می‌شود. جوانی که در جست‌وجوی فلسفه زندگی است، اگر احساس کند دین در معنادهی و جهت‌بخشی به زندگی او تأثیر مثبتی ندارد، آن را کنار می‌گذارد و چه بسا آن را زائد و دست‌وپاگیر انگاشته، از آن گریزان شود (ر.ک: عباسی، ۱۳۸۶).

ب) موانع محیطی

بی‌شک وضع محیط اجتماعی زندگی انسان اثر فوق‌العاده‌ای بر شخصیت و زندگی او دارد؛ چراکه انسان بسیاری از صفات خود را از محیط کسب می‌کند. غالباً محیط‌های پاک افراد پاک پرورش می‌دهند و محیط‌های آلوده افراد آلوده. البته انسان می‌تواند در محیط ناپاک، پاک زندگی کند و برعکس در محیط‌های پاک زندگی ناپاکی داشته باشد و به تعبیر دیگر، شرایط زمینه‌ای علت تامه در خوبی و بدی سبک زندگی افراد نیستند، اما تأثیرشان به شکل یک عامل مهم زمینه‌ساز را نمی‌توان انکار کرد. ممکن است کسی قائل به «جبر محیط» باشند، که هستند، ولی در آموزه‌های اسلامی هرچند جبر در تمام اشکالش نفی شده، تأثیر قوی عوامل زمینه‌ساز در سبک زندگی انکار نشده است.

برای تأثیر موانع محیطی می‌توان چند آیه را شاهد آورد که به دلالت مطابقه یا التزامی، درباره تأثیر محیط بر سبک زندگی فردی انسان سخن می‌گویند:

۱. «سرزمین پاکیزه [و شیرین] گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های بدطینت [و شوره‌زار] جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید؛ این‌گونه آیات [خود] را برای آنان که شکرگزارند بیان می‌کنیم» (اعراف: ۵۸). بعضی مفسران در تفسیر این آیه گفته‌اند:

منظور این است که آب زلال و حی همچون قطرات باران بر سرزمین دل‌ها فرو می‌ریزد. دل‌های پاک آن را می‌پذیرند و گل‌های زیبای معرفت و میوه‌های لذت‌بخش تقوا و طاعت از آن می‌روید، در حالی که دل‌های ناپاک و آلوده واکنش مناسبی نشان نمی‌دهند. پس اگر می‌بینیم سبک زندگی همه در برابر دعوت پیامبر و تعلیمات اسلام یکسان نیست، این به خاطر نقص در فاعلیت فاعل نیست، بلکه اشکال در قابلیت قابل است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۵۱/۱).

در این مثال، انسان‌ها به گیاهان تشبیه شده‌اند و محیط زندگی‌شان به زمین‌های شور و شیرین. زندگی پاک در یک محیط آلوده، حتی با تعلیمات قوی و مؤثر، مشکل است،

همان‌گونه که قطرات حیات بخش باران هرگز در شوره‌زار سنبیل نمی‌رویاند. به همین دلیل برای سبک زندگی سالم باید به اصلاح محیط اهمیت فراوان داد.^۱

۲. در داستان قوم بنی‌اسرائیل در قرآن آمده است که آنان سال‌ها تحت تعلیمات رومی و معنوی حضرت موسی علیه السلام درباره توحید و دیگر اصول دین بودند و معجزات مهم الهی، همچون شکافته شدن دریا و نجات خارق‌العاده از چنگال فرعونیان، را با چشم خود دیدند، اما همین‌که در مسیر خود به سوی شام و سرزمین‌های مقدس با گروهی بت‌پرست روبه‌رو شدند، چنان تحت تأثیر فرهنگ بت‌پرستی ناسالم قرار گرفتند که صدا زدند: «ای موسی، برای ما بتی قرار بده همان‌گونه که آنان دارای معبودان و بت‌ها هستند» (اعراف: ۱۳۸). این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که محیط‌های فرهنگی تا چه حد می‌توانند بر سبک زندگی افراد اثر بگذارند. شکی نیست که بنی‌اسرائیل پیش از مشاهده این گروه بت‌پرست، در اثر زندگی مداوم در میان مصریان بت‌پرست، زمینه فکری مساعدی برای این موضوع داشتند و مشاهده آن صحنه جرقه‌ای بود که زمینه‌های قبلی را شعله‌ور کرد. همه اینها بر تأثیر محیط در افکار و عقاید انسان دلالت دارند.

۳. نوح برای نابودی قوم کافر خود چنین نفرین می‌کند: «خداوندا، اگر آنان را زنده بگذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز نسی فاجر و کافر به وجود نمی‌آید» (نوح: ۲۶ و ۲۷)؛ در واقع نوح تأثیر محیط فرهنگی را مؤثر می‌داند. هم نسل امروز آنان کافر و منحرف است و هم نسل‌های آینده که در این محیط پرورش می‌یابند، آلوده می‌شوند. خداوند در قرآن خطاب به بندگان باایمان خود می‌گوید: «زمین من گسترده است؛ تنها مرا بپرستید [تسلیم فشار دشمن نشوید و در محیط آلوده نمانید]» (عنکبوت: ۵۶).

۴. آیه ۹۷ سوره نساء به کسانی که ایمان آورده و هجرت نکرده‌اند هشدار می‌دهد که عذرشان در پیشگاه خداوند پذیرفته نیست:

کسانی که فرشتگان قبض ارواح، روحشان را گرفتند در حالی که به خود ستم کرده بودند؛ به آنان گفتند: «شما در چه حالی بودید [و چرا با اینکه مسلمان بودید، در صف کفار جای داشتید]؟». آنان در پاسخ گفتند: «ما در زمین خود تحت فشار بودیم». فرشتگان گفتند: «مگر سرزمین خداوند پهناور نبود؛ چرا هجرت نکردید؟». آنان [عذری نداشتند و به عذاب الهی گرفتار شدند] جایگاهشان جهنم است و سرانجام بدی دارند (نساء: ۹۷).

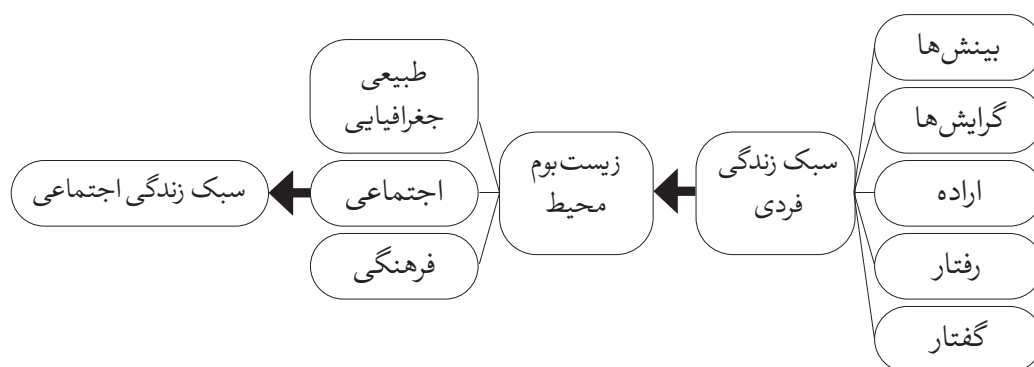
۱. «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لِلنَّاسِ: "إِنَّا كُمْ وَخُصْرَاءُ الدَّمَنِ". قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: "وَمَنْ خُصْرَاءُ الدَّمَنِ؟". قَالَ ﷺ: "الْمَرْءَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنَبَتِ السُّوءِ" (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۶۱: ۳۱۶/۱).

اصولاً مسئله هجرت، که در اسلام به قدری اهمیت دارد که تاریخ اسلام بر آن استوار شده، فلسفه‌هایی دارد. یکی از فلسفه‌های بسیار مهمش فرار از محیط آلوده و نجات از تأثیرات سوء آن است. هجرت، برخلاف آنچه بعضی می‌پندارند، مخصوص آغاز اسلام نیست، بلکه در هر عصر و زمانی جاری است، یعنی اگر مسلمانان در محیط‌های آلوده به شرک و کفر و فساد باشند و عقاید یا اخلاقشان به خطر بیفتد، باید مهاجرت کنند.

کوتاه سخن اینکه در هر عصر و زمان، محیط در شکل‌گیری سبک زندگی مؤثر بوده است و پاکی یا ناپاکی محیط جغرافیایی و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی عاملی تعیین‌کننده محسوب می‌شوند؛ البته مسئله جنبه جبری ندارد. بنابراین یکی از امور مهمی که برای سلامت سبک زندگی باید در نظر گرفته شود، پاک‌سازی محیط و ساختارها است. اگر محیط و ساختار به قدری آلوده باشد که نتوان آن را پاک کرد، باید مهاجرت از آنجا را برگزید. آیا وقتی زندگی مادی انسان در یک محیط آلوده به خطر بیفتد، از آنجا هجرت نمی‌کند؟ پس چرا وقتی سبک زندگی اش، که از زندگی مادی ارزشمندتر است، به خطر می‌افتد، با این بهانه که اینجا زادگاه من است، تن به انواع آلودگی‌های محیطی و ساختاری برای خود، خانواده و فرزندان بدهد و مهاجرت نکند؟ (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۴۹).

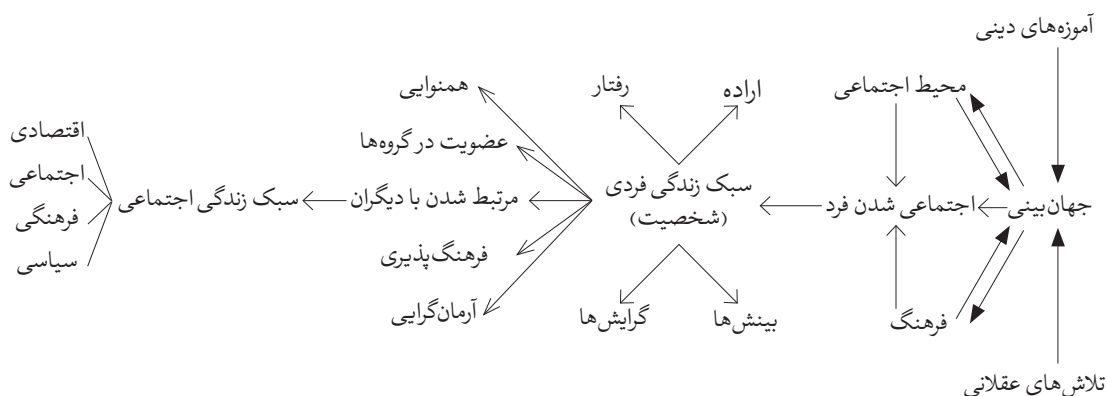
نتیجه

سبک زندگی بی‌رنگ و هویت نیست، بلکه هویت‌های دینی و ملی دارد. فرایند آمیختگی هویت دینی و ملی در سبک زندگی به درستی تعریف نشده است؛ از این رو پژوهشگران بر اساس مطالعات خود نظریه‌هایی در این خصوص ارائه داده‌اند. در این مقاله تأکید شد که فرایند آمیختگی و شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی - ایرانی بر اساس عوامل میانجی زمینه‌ای رقم می‌خورد.



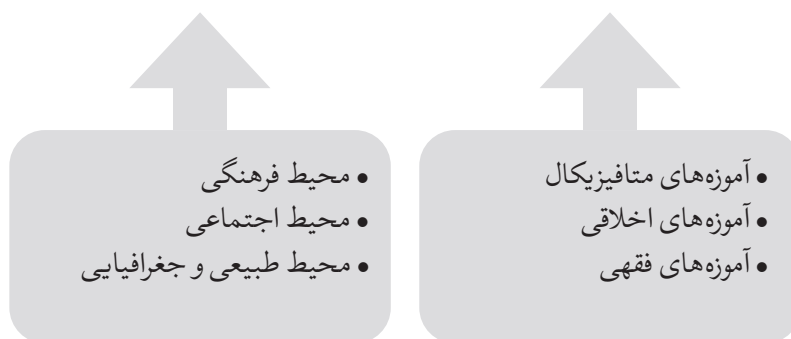
تقویت ساحت‌های انسانی با گزاره‌های متافیزیکال اخلاقی و شریعتی قرآن

پیوند دادن مقولات فرعی (ناتوانی و نیازمندی) به مقوله اصلی (زندگی) با میانجیگری شرایط زمینه‌ای (شخصیت و محیط) برای رسیدن به اهداف زندگی برگرفته از آموزه‌های اسلامی، به الگوی سبک زندگی اسلامی - ایرانی (پیامد) می‌انجامد. بنابراین سبک زندگی اسلامی - ایرانی برآمده از تأثیر و تأثر متقابل جهان بینی اسلامی (نظام باورها و اعتقادات، احکام عبادی و اخلاقی) و شرایط زمینه‌ای (شخصیت و محیط) است.



چه عواملی سبب شده‌اند که سبک زندگی دینی در جامعه‌ای مثل ایران متنوع و متکثر باشد؟ در مقاله آمد که آموزه‌های اسلامی (جهان بینی، احکام عبادی و اخلاقی) درباره زندگی این جهانی ارائه شده‌اند که اگر زندگی بر اساس آنها شکل بگیرد، بیانگر بُعد اسلامی سبک زندگی است. چون زندگی مسلمانان طبق آموزه‌های اسلامی شکل می‌گیرد، باید سبک زندگی اجتماعی در همه جوامع اسلامی یکسان باشد، اما چرا چنین نیست؟ پاسخ این پرسش به تفاوت و اختلاف شرایط زمینه‌ای (شخصیتی، طبیعی و ساختاری) برمی‌گردد؛ چراکه زندگی بر اساس اصول و مبانی اسلامی در شرایط زمینه‌ای متفاوت سبب شکل‌گیری سبک‌های مختلف زندگی می‌شود. تحقق زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی در شرایط زمینه‌ای (شخصیتی، طبیعی و ساختاری) یک جامعه خاص بیانگر سبک زندگی بومی و ملی آن جامعه است. بنابراین تبلور سبک زندگی اسلامی در جامعه ایران معاصر بیانگر بُعد ایرانی سبک زندگی است.

زندگی بر اساس آموزه‌های دینی + زندگی بر اساس شرایط زمینه‌ای = سبک‌های زندگی خاص
زندگی بر اساس آموزه‌های اسلام + زندگی در زیست‌بوم ایران = سبک زندگی اسلامی-ایرانی



کتاب‌نامه

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد (بی‌تا)، مسند الامام احمد بن حنبل و بهامشه کنزل العمال فی سنن الاقوال و الافعال، [بی‌جا]: دار صادر.
۲. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۹۲)، تحف العقول، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: مؤسسه علمی - فرهنگی دار الحدیث.
۳. استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴. استنفورد، مایکل (۱۳۸۲)، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
۵. باقری، خسرو (۱۳۶۸)، نگاهی دوباره به تربیت اسلام، تهران: وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانه‌ها.
۶. بختیاری، آمنه؛ نصیری، بهاره (۱۳۹۵)، «اکاوی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی خانواده ایرانی (با تأکید بر مخاطرات و آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی)»، مدیریت شهری و روستایی، شماره ۴۵، ص ۴۶۵-۴۷۸.
۷. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، نهج الفصاحه: سخنان و خطبه‌های حضرت رسول اکرم ﷺ با تنظیم موضوعی و ترجمه فارسی، تصحیح عبدالرسول پیمانی و دیگران، تهران: خاتم الانبیاء.
۸. ترنر، برایان (۱۳۸۰)، وبر و اسلام با پانویس‌های انتقادی و مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷)، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۱۷، قم: اسراء.
۱۰. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)، آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. شرقاوی، حسن محمد (۱۹۸۷)، المسلمون علماء و حکماء، قاهره: مؤسسه المختار.
۱۲. شریعتی، علی (۱۳۷۹)، مجموعه آثار، ج ۱۶، تهران: چاپخش.
۱۳. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۱)، معانی الاخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. عباسی، محمد (۱۳۸۶)، «عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب»، مجله معرفت، شماره ۱۱۶.
۱۵. کاویانی، محمد (۱۳۹۴)، درسنامه سبک زندگی اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ پنجم.
۱۷. محمد السید، الجلیند (بی‌تا)، فی علم الاخلاق، قضایا و نصوص، القاهرة: مطبعة التقدم.
۱۸. محمدی، بیوک (۱۳۸۷)، درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، مجموعه آثار، ج ۱۶، تهران: صدرا.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۳. نصر، حسین (۱۳۷۴)، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: طرح نو.
۲۴. نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱)، بازخوانی هابرماس: درآمدی بر آرا و اندیشه‌ها و نظریه‌های یورگن هابرماس، تهران: نشر چشمه.
۲۵. هالوب، رابرت (۱۳۷۵)؛ یورگن هابرماس نقد در حوزه عمومی: مجادلات فلسفی هابرماس با پوپری‌ها، گادامر، لومان، لیوتار، دریدا و دیگران، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
26. Adler, Alfred (2023), *The science of Living*, Bibliotech Press.
27. Barnett, E; Casper, M. (2001), "A definition of social environment", *Am J Public Health*, vol. 91 (3), p. 465.
28. Horst, Heather. A. (2010), *Hanging out, messing around, and geeking out*, Cambridge, MA: The MIT Press.
29. Kavanaugh, A. L.; Patterson, S. J. (2001), "The impact of community computer networks on social capital and community involvement", *American Behavioral Scientist*, vol. 45, P. 496-509.